-- The Quarterly Journal of Public Law Research ------
Summer 2021, 71 (23), 129-159
qjpl.atu.ac.ir
DOI: 10.22054/QJPL.2021.47830.2273

ATU PRESS

Original Reserch
Received: 02/Dec/2019 Accepted: 23/Feb/2021 ISSN:2345-6116 eISSN:2476-6216

Judicial Review of Administrative Court of Justice in Times of Economic Crisis

Mohammad Hosein Zaree | Associate Professor, Public Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Ayyam Kamarkhani* | Ph.D Student, Public Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

The State in the general sense is competent to make binding decisions to protect the public interest, on behalf of the people in response to the events of social life. One of the issues that governments have responded in the last two centuries in various forms such as lawmaking, adoptions of economic policies and the issuance of judicial rulings has been economic crises. Given the impact of judicial rulings on resource allocation and the effectiveness of government economic policies and its constructive role in achieving the rule of law, it is important to provide an analysis of the fluctuations and characteristics of judicial rulings in times of significant economic crisis; Therefore, in this article, by examining the rulings of the Court of Administrative Justice during the currency crisis of the 1990s and the current economic crisis in Iran, it is intended to provide an appropriate analysis for the above question. The results of these studies indicate that in times of economic crisis, the performance of the Administrative Court of Justice is very significant and this issue is due to the excessive intervention of executive bodies through overregulation. The Administrative Court of Justice is also negligent for not considering the fact that the occurrence of economic crisis is the main cause of overregulation.

Keywords: Economic Crisis, Administrative Justice Court, Judicial Review, Obligatory Currency Contract, Freedom of Trade.

* Corresponding Author: ayyamkamarkhani@ut.ac.ir

-- فصلنامه علمی پژوهش حقوق عمومی ---------
دوره ۲۳، شماره ۷۱، تابستان ۱۴۰۰، ۱۵۹-۱۲۹
qjpl.atu.ac.ir
DIO: 10.22054/QJPL.2021.47830.2273

مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵
ISSN: ۲۳۴۵-۶۱۱۶ eISSN: ۲۴۷۶-۶۲۱۶

نقد آرای دیوان عدالت اداری در زمینه بحران‌های اقتصادی

محمدحسین زارعی دانشیار حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

ایام کمرخانی* دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

دولت به معنای عام اصولاً در راستای حفظ منافع و مصالح عمومی و به نمایندگی از مردم در پاسخ به رخدادهای حیات اجتماعی، صالح به اتخاذ تصمیمات الزام‌آور است و یکی از موضوعاتی که در دو قرن اخیر؛ واکنش دولت را در قالب‌های گوناگون نظیر تصویب قانون، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی و صدور آرای قضایی به همراه داشته، بحران‌های اقتصادی است. با توجه به تاثیر آرای قضایی در تخصیص منابع و کارآمدی سیاست‌های اقتصادی دولت و نقش سازنده آن در تحقق حاکمیت قانون، ارائه تحلیلی در خصوص نوسانات و خصایص آرای قضایی در زمان بحران‌های اقتصای حائز اهمیت می‌گردد؛ لذا در این مقاله با بررسی آرای دیوان عدالت اداری در زمان بحران ارزی دهه ۱۳۷۰ و بحران اقتصادی کنونی ایران درصدد هستیم برای پرسش فوق تحلیلی درخور ارائه نماییم. ماحصل این بررسی‌ها حاکی از آن است که در شرایط بحران اقتصادی، عملکرد دیوان عدالت اداری بسیار پررنگ بوده و این مسئله ناشی از مداخله بیش از حد نهادهای اجرایی از طریق مقررات‌گذاری است. همچنین بی‌توجهی دیوان عدالت اداری نسبت به این مسئله که حدوث بحران اقتصادی موجب عمده مقررات‌گذاری‌های مورد اختلاف است از نقاط ضعف آن نهاد محسوب می‌گردد.

واژگان کلیدی: بحران اقتصادی، دیوان عدالت اداری، نظارت قضایی، پیمان‌سپاری ارزی، آزادی تجاری.

* نویسنده مسئول: ayyamkamarkhani@ut.ac.ir

مقدمه

بحران‌های اقتصادی که از موضوعات تکرارشونده نظام‌های اقتصادی است همواره موجب بروز اختلافاتی در روابط خصوصی اشخاص و ایجاد مسائلی دامنه‌دار در خصوص نحوه برخورد قدرت سیاسی نسبت به آثار همه‌گیر بحران‌های اقتصادی شده است که بر اساس اصل تفکیک قوا می‌توان حل اختلافات احتمالی اشخاص و اعتراض نسبت به نحوه عکس‌العمل نهادهای سیاسی در زمان بحران‌های اقتصادی را در صلاحیت قوه قضاییه دانست.

اهمیت بررسی آرای قضایی در برخورد با اختلافات و اعتراضات ناشی از بحران‌های اقتصادی زمانی تجلی می‌یابد که تاثیر این آرا در تخصیص منابع، آزادی قراردادی، آزادی تجارت، مقابله با انحصار (اعم از دولتی و غیردولتی) و اصل برابری بررسی و نقش محاکم به عنوان تضمین‌کننده حاکمیت قانون و حق‌های بنیادین مورد واکاوی قرار گیرد.[1] این مقاله درصدد است با بررسی آرای قضایی دیوان عدالت اداری تاثیر بحران‌های اقتصادی بر عملکرد دیوان را بسنجد.

از این رو، در ادامه به تحلیل آرای دیوان عدالت اداری در زمان بحران ارزی دهه ۱۳۷۰ و بحران اقتصادی کنونی پرداخته می‌شود ولی پیش از آن، ارائه تعریفی از بحران اقتصادی و مفاهیم مشابه و اشاره‌ای مختصر به نوسان بعمل آورده در رویه قضایی دیوان عالی ایالات متحده آمریکا بر اثر بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹ حائز اهمیت خواهد بود.

۱. بحران اقتصادی و مفاهیم مشابه

در ادبیات اقتصادی، عوامل بحران‌زا به سه نوع تقسیم شده‌اند. اقتصاددانان نئوکلاسیک معمولاً بحران را امری برون‌زاد می‌بینند که تحت تاثیر عواملی نظیر افزایش قیمت انرژی و در نتیجه افزایش هزینه‌های تولید کالا و خدمات یا سیاست‌های پولی و مالی نادرست است. در نتیجه با رفع و رجوع چنین شوک‌های برون‌زادی، بحران قابل پیشگیری است؛ لذا مداخله دولت در اقتصاد ضروری نیست. در مقابل اقتصاددانان کینزی معتقدند، بحران

1. Xenophon Contiades, *Constitutions in the Global Financial Crisis, A Comparative Analysis* (London: Ashgate Pub, 2013) at 9-59.

در نظام سرمایه‌داری، پدیده‌ای درون‌زاد است که به دلیل شکست بازار[۱] در تنظیم خودکار فعالیت‌های اقتصادی بطور تکرارشونده بروز پیدا می‌کند. اقتصاددانان رادیکال معتقدند نظام سرمایه‌داری به دلیل آنکه مبتنی بر حداکثرسازی سود و رقابت فزاینده است، موجب بحرانی لاینحل است. بعبارت دیگر، رقابت از یک سو موجب افزایش بیش از اندازه ظرفیت‌های تولیدی در مقایسه با طرف تقاضا است و از سوی دیگر، توزیع به شدت نابرابر درآمد را به همراه دارد؛ نتیجه آنکه ظرفیت‌های تولیدی بر اثر توزیع نابرابر درآمدی با سطح پایینی از تقاضا روبرو می‌شود و کاهش حاشیه سود و ورشکستی بنگاه‌ها را به همراه دارد.[۲]

در بیشتر متون مربوط به بحران مالی، مفاهیم بحران اقتصادی و بحران مالی از هم تفکیک نشده و این دو مفهوم به اشتباه، یکی در نظر گرفته شده است. بحران اقتصادی را می‌توان بعنوان بروز ناخواسته و پیش‌بینی نشده یک وضعیت نامطلوب در متغیرهای بخش حقیقی اقتصاد از جمله تولید، درآمد حقیقی[۳]، حجم مبادلات اقتصادی و مصرف تعریف کرد. بعبارت دیگر، بحران اقتصادی، انتقال سریع به وضعیت رکودی است. در مقابل، بحران مالی؛ نوعی اختلال در بازارهای مالی است که بطور معمول با افت قیمت دارایی‌های مالی یا قیمت نهادهای مالی و ورشکستگی بدهکاران و واسطه‌های مالی همراه است و با گسترش در کل نظام مالی، ایفای نقش بازارهای مالی در تخصیص منابع را

---

۱. از جمله مصادیق شکست بازار می‌توان به انحصارات، عوارض جانبی، کالاهای عمومی و رکودهای اقتصادی اشاره کرد. ر.ک. محمود باقری، «اقصاد مبتنی بر بازار و کاستی‌های حقوق خصوصی»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۸، شماره ۱۹، (۱۳۸۵)؛ احمد توکلی، *بازار- دولت؛ کامیابی‌ها و ناکامی‌ها* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰).

۲. علی دینی ترکمانی، *بحران بزرگ مالی: علت‌ها و درس‌ها* (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۹۲) ص ۱۲و ۱۴۵.

۳. درآمد حقیقی (Real Income) در مقابل درآمد اسمی (Nominal Income) قرار می‌گیرد؛ بعبارت دیگر اگر تعدیلات مربوط به تورم در درآمد اسمی لحاظ شود درآمد حقیقی در راستای سنجش قدرت خرید پول حاصل می‌آید.

مختل می‌کند. با وجود این، در بیشتر مواقع این دو بطور همزمان بروز کرده‌اند و همین باعث خلط مفهوم آنها شده است.[۱]

همچنین در یک دسته‌بندی کلی و با توجه به خاستگاه بحران می‌توان بحران‌های مالی را به دو بخش تقسیم کرد. در بخش اول بحران ارزی[۲] و بحران تراز پرداخت‌ها قرار دارد در حالی که در بخش دوم بحران بانکی و بحران بدهی[۳] جای می‌گیرد. عموماً بحران ارزی وقتی رخ می‌دهد که نرخ ارز به دلایل مختلفی[۴] مورد هجوم سفته‌بازان قرار می‌گیرد. این امر موجب می‌شود تا کاهش ارزش پول ملی رخ دهد یا مقامات ناگزیر شوند برای دفاع از نرخ موجود، بخش زیادی از منابع خود را مصرف کنند یا کنترل حساب سرمایه را اعمال نمایند؛ بحران دهه ۱۳۷۰ نیز از نوع بحران ارزی است. بحران تراز پرداخت‌ها نیز که بحران توقف ناگهانی خوانده می‌شود، ناظر به حالتی است که ورود سرمایه‌های خارجی و یا خروج سرمایه از کشور تشدید گردد.

همچنین بحران بدهی ناظر به حالتی است که یک کشور نمی‌خواهد یا نمی‌تواند بدهی خارجی خود را بپردازد. نوع دیگر بحران بدهی که می‌توان بخشی از بحران کنونی کشور را با آن تبیین کرد، وقتی است که دولت نمی‌تواند بدهی خود را به اشخاص حقیقی یا حقوقی داخلی بازپرداخت کند و برای حل این مشکل یا آشکارا بدهی خود را نکول می‌کند یا به استقراض از بانک مرکزی و ایجاد تورم متوسل می‌شود و بدهی خود را پرداخت می‌کند.[۵]

---

۱. محمد واعظ برزانی و بهنام ابراهیمی، *تحلیل نظری تاثیر ارزش‌های غیرواقعی بر ایجاد بحران مالی جهانی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۹* (تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵) ص ۱۳-۱۴.

2. Currency Crises.

3. Sovereign Debt Crises.

۴. نرخ اسمی ارز باید به اندازه تفاوت نرخ تورم در دو کشور مبادله‌کننده تغییر یابد تا موازنه تجاری پابرجا و قدرت خرید پول‌ها مانند قبل بماند. برای مثال اگر نرخ تورم در ایران ۱۵ الی ۲۰ درصد باشد، در حالی که نرخ تورم در کشور طرف مبادله ۲ تا ۵ درصد باشد، بر این اساس، نرخ ارز باید هر سال ۱۰ الی ۲۰ درصد افزایش یابد تا قدرت رقابت اقتصاد ایران حفظ گردد در غیر اینصورت نرخ ثابت ارز موجب گرانی تولید کالاهای صادراتی و ارزانی کالاهای وارداتی می‌شود و هرگونه گمانه‌زنی در مورد تغییر نرخ ارز، بی‌ثبات‌کننده خواهد بود. ر.ک. علی سرزعیم، *اقتصاد برای همه؛ تشریح مفاهیم اقتصاد کلان به زبان ساده* (تهران: انتشارات ترمه، ۱۳۹۷)، ص ۱۲۱-۱۴۳.

۵. علی سرزعیم، «گونه‌شناسی بحران‌های مالی با تاکید بر بحران‌های بانکی»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال پنجم، دوره ۵، شماره ۱۸، (۱۳۹۶)، ص ۱۸۹-۱۹۱.

النهایه بحران بانکی مشتمل بر فرارهای بانکی که یک بانک را به تنهایی تحت تاثیر قرار می‌دهد، آشفتگی بانکی که مجموعه‌ای از بانک‌ها را بطور همزمان تحت تاثیر قرار می‌دهد و بحران بانکی سیستماتیک که به موجب آن، اقتصاد نکول‌های زیادی را تجربه می‌کند و موسسات مالی و بنگاه‌ها در بازپرداخت تعهدات خود با مشکلات بزرگی روبرو می‌شوند، می‌باشد.[۱]

۲. بحران اقتصادی ۱۹۲۹ و تاثیر آن بر رویه قضایی دیوان عالی آمریکا

بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹ که تاثیری عالمگیر به همراه داشت، در قالب سیاست حمایت‌گرایی اقتصادی و شکل‌گیری دولت رفاه ظاهر گردید. ابعاد حقوقی این بحران اقتصادی برای تحلیل تطبیقی تاثیر بحران‌های اقتصادی بر عملکرد مراجع قضایی بسیار قابل توجه است. در واقع فرانکلین رزولت پس از روی کار آمدن از سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۳۳ و در پاسخ به بحران مذکور، تحت عنوان طرح نو در قالب سه دوره (دوره اول در سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴، دوره دوم در سال ۱۹۳۵ و دوره سوم پس از کسادی سال ۱۹۳۷) اصلاحات جدیدی در میزان اختیارات دولت برای تنظیم و مداخله کاستی‌های بازار بعمل آورد؛ این طرح مشتمل بر تصویب ۲۹ قانون و تاسیس چندین نهاد فدرال است.[۲] در کنار این طرح، دولت‌های ایالتی نیز دست به تصویب قوانین زدند اما تصویب این طرح و قوانین ایالتی با چالش‌های بسیاری روبرو شد که مهمترین آن تقابل دیوان عالی با دولت فدرال بود.

پرداختن به تحلیل آرای قضایی بدون توجه به زمینه تاریخی آن، کارآمدی و دقت تحلیل را کاهش خواهد داد؛ از این‌رو، توجه به شرایط غالب فکری و تحولات تاریخی زمان صدور رای حائز اهمیت است که در ادامه اهم آن زمینه‌های فکری و تحولات، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

---

1. Claessen Stijn and Ayhan Kose M, *Financial Crises: Explanations, Types, and Implications* (London: IMF, 2013) *at 11-18.*; Evaldas Racickas and Asta Vasiliauskaite, *Classification of Financial Crises and Their Occurrence Frequency in Global Financial Markets*, Social Research, 29, (2012) at 32-44.

۲. برای کسب اطلاعات در این زمینه ر.ک.

Eric Rauchway, *The Great Depression and the New Deal: A Very Short Introduction* (New York: OUP, 2008) at 32-40; Heale, M. J., Franklin D. Roosevelt, *The New Deal and War* (London: Routledge, 1999) at 16-44.

۱-۲. غلبه اندیشه‌های اقتصادی کلاسیک

قبل از رکود بزرگ (۱۹۲۹-۱۹۳۹) عقاید و افکار مکتب اقتصادی کلاسیک دایر بر خودتنظیمی بازار، حمایت دولت از تولید داخلی در تجارت بین‌المللی، دولت حداقلی و اصالت فرد، دیدگاه غالب محسوب می‌گردید به گونه‌ای که *هربرت هوور* رییس جمهور ایالات متحده در پرتو این افکار به منظور حمایت از کالاهای داخلی کشاورزی در برابر کالاهای خارجی نسبت به تصویب قانون *اسموت هاولی*[1] و افزایش نرخ تعرفه (۹۰۰) قلم کالا در ۱۷ ژوئن ۱۹۳۰ اقدام می‌کند که نتیجه آن سقوط شدید بازار سهام و بالا گرفتن جنگ تجاری بین کشورهای جهان، شکل‌گیری اندیشه‌های مکتب اقتصادی کینزی و النهایه ناکامی وی از تجدید دوره ریاست جمهوری خود در سال ۱۹۳۳ است.[2]

۲-۲. تحول در مفهوم وضعیت اضطراری[3]

قوانین اساسی اصولاً به خاطر شرایط زمان تصویب به گونه‌ای نگارش یافته‌اند که جنگ خارجی یا داخلی مصداق بارز شرایط اضطراری باشد و بحران‌های اقتصادی از جمله موجبات آن نباشد. در نظام حقوقی آمریکا نیز تا پیش از رکود بزرگ، تمسک به مفهوم شرایط اضطراری برای مقابله بحران اقتصادی کاربردی نداشته است اما فرانکلین روزولت با تشبیه اقداماتش به تدابیر یک فرمانده نظامی، اختیارات فوق‌العاده‌ای برای مقابله با رکود بزرگ قائل شد: «از کنگره می‌خواهم همان یک ابزار باقیمانده {قانون‌گذاری} برای مقابله با بحران {اقتصادی} را به من واگذار نماید؛ قدرت اجرایی گسترده برای اعلان جنگ علیه وضعیت اضطراری، قدرتی همانقدر بزرگ و فراگیر که اگر کشور واقعاً مورد حمله خارجی قرار گرفته بود به من تفویض می‌شد».[4]

---

1. Smoot-Hawley Act.
2. Paul Boyer S., *American History: A Very Short Introduction* (New York: OUP, 2012) pp 92-99., Lindsay Matthew J., "The Presumptions of Classical Liberal Constitutionalism", Iowa Law Review, 102, (2017), at 259-290.
3. State of Emergency.
۴. ر.ک. جورجو آگامبن، *وضعیت استثنایی*، ترجمه پویا ایمانی (تهران: نشر نی، ۱۳۹۵) صص ۳۶-۵۶.

۳-۲. غلبه برداشت ماهوی و اقتصادی از اصل رعایت تشریفات قانونی[۱]

منظور از رعایت تشریفات قانونی، رعایت تشریفاتی تثبیت‌یافته به منظور حمایت و تضمین حقوق خصوصی اشخاص نظیر حق بر دسترسی به دادرسی عادلانه نزد مرجع ذی‌صلاح است که خود بر دو نوع شکلی و ماهوی است. منظور از نوع شکلی آن، رعایت حداقل الزامات ابلاغ و رسیدگی قضایی است که ذیل اصلاحیه‌های پنجم و چهاردهم قانون اساسی ایالات متحده شناسایی شده است و منظور از تشریفات ماهوی که گستره بیشتری دارد آن است که به ترتیب قانونگذاری و حکمرانی از لحاظ محتوایی و غایی باید عادلانه و عقلانی باشد. رعایت تشریفات قانونی اقتصادی نوعی دیگر از رعایت تشریفات ماهوی است که رعایت آزادی قراردادی و احترام به اصل مالکیت[۲] را در تنظیم‌گری‌های اقتصادی دولت الزامی می‌داند.[۳] غلبه برداشت ماهوی و اقتصادی برای قضات دیوان عالی این امکان را فراهم می‌آورد که علاوه بر نظارت بر رعایت تشریفات قانونی در دادگاه‌ها، رعایت تشریفات قانونی در فرآیند قانونگذاری و حکمرانی را تحت نظارت قرار دهند و در نتیجه اختلاف فراوانی بین دیوان عالی و قوه مجریه و قوه مقننه ایجاد گردد.[۴]

۴-۲. غلبه رئالیسم قضایی (دادگاه‌محوری)

در نیمه نخست قرن بیستم، قانون در رئالیسم حقوقی در مرتبه دوم اهمیت قرار دارد و نظرها به آن دسته واقعیات فرآیند قضایی جلب می‌شود که به هنگام حل‌وفصل یک دعوی، همه قوانین باید از طریق آنها اعمال شود. نتیجه این رئالیسم حقوقی، زیر سوال رفتن قابلیت اعتماد به نُرم محض و {ظهور} دادگاه‌محوری است. به عبارت دیگر چنین ادارکی از عدم قطعیت حقوق و امکان نفوذ عوامل اعلام نشده در مقام رسیدگی قضایی

---

1. Substantive Due Process/ Economic Substantive Due Process.
2. McCloskey, Robert G., *The American Supreme Court* (Chicago: The University of Chicago Press) 2010, at 91-116; Kurt Lash, "The Constitutional Convention of 1937: The Original Meaning of the New Jurisprudential Deal", Fordham Law Rev, 70, (2001) at 101-189, Available at: http://papers.ssrn.com/abstract=264214.
3. Bryan Garner, A., *Black's Law Dictionary* (Tehran: Thomson West Pub, 2004) at 538-539.
4. Lindsay Matthew J, "In Search of Laissez-Faire Constitutionalism", Harvard Law Review Forum, 123, (2010), at 55-78.

به یک وضعیت خاص اشاره می‌کند؛ عواملی نظیر وجود دادگاه‌های متعدد ایالتی و فدرال، قانونگذاران ایالتی و فدرال و انتخابی بودن قضات دادگاه‌های بدوی.[۱] اینگونه رئالیسم (دادگاه محوری) در کنار سایر عوامل که ذکر آنها رفت، موجب تشدید تقابل دادگاه عالی با دولت فدرال در زمان مقابله با بحران اقتصادی گردید که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

در سال ۱۹۳۴ دو رای در خصوص رکود بزرگ از دیوان عالی صادر می‌گردد که هر دو در تایید قوانین ایالتی هستند. رای نخست[۲]مربوط به تعلیق خسارات پرداختی به طلبکاران طبق قانون ایالت مینسوتا است؛ دیوان عالی با توجه به دکترین شرایط اضطراری، ضمن محدود نمودن شرایط قراردادی، قانون موصوف را تایید نمود و ایرادات شاکی مبنی بر نقض شرایط قراردادی را ناکام گذاشت.[۳]

رای دوم[۴]، مربوط به قیمت‌گذاری محصولات لبنی توسط قانونگذار ایالت نیویورک است و دیوان ایرادات شاکی مبنی بر عدم رعایت تشریفات قانونی ماهوی و شرط حمایت برابر توسط قانونگذار ایالتی را وارد ندانسته و اعلام داشت، «هرچند احترام به حقوق قراردادی و حقوق مالکانه مورد توجه این دادگاه است، اما نه حقوق قراردادی مطلق است نه حقوق مالکانه و در شرایط خاص نظیر شرایط کنونی این حقوق با محدودیت‌هایی روبرو می‌شوند».[۵]

در سال ۱۹۳۵ دیوان به استثنای پرونده‌های مربوط به شرط تعهد دولت به پشتیبانی دلار با پرداخت طلا،[۶] در آرای خود قانونگذاری‌های دولت فدرال را مغایر با قانون اساسی اعلام

---

۱. جان کلی، *تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب*، ترجمه محمد راسخ، چاپ دوم (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۸) صص ۵۲۹-۵۳۴.

2. Home Building & Loan Ass'n v. Blaisdell, 290 U.S. 398, 1934.

3. Charles Bieneman, A., "Legal Interpretation and A Constitutional Case; Home Building & Loan Ass'n v. Blaisdell", Michigan Law Review, 90, (1992), at 2534-2564.

4. Nebbia v. New York, 291 U.S. 502, 1934.

5. Robert Levy, A. and Mellor William, *The Dirty Dozen; How Twelve Supreme Court Cases Radically Expanded Government and Eroded Freedom* (Washington: Cato Institute, 2009) at 181-197.

6. Nortz v. United States, 294 U.S. 313- 1935; Perry v. United States, 294 U.S. 330- 1935; United States v. Bankers Trust Co., 294 U.S. 240, (1935)

می‌نماید. از جمله این موارد پرونده صنف مرغداری[1] است که طبق آن دیوان عالی به اتفاق آرا، تصمیم دولت فدرال مبنی بر تنظیم صنف مرغداری را مبتنی بر قانون احیای صنایع ملی ۱۹۳۳ (مهم‌ترین قانون طرح نیو دیل) و توجه به دکترین تفویض اختیارات[2]، اصلاحیه دهم قانون اساسی و اصل بازرگانی،[3] خلاف قانون اساسی تشخیص می‌دهد؛ بعبارت دیگر دیوان عالی تصویب قانون توسط دولت فدرال را به منظور تنظیم فعالیت‌های صنفی که آثار بسیار اندک و غیرمستقیمی بر تجارت بین ایالتی دارد، با توجه به اصلاحیه دهم قانون اساسی مردود اعلام نمود و تفکیک اختیارات قانونگذاری دولت فدرال و دولت‌های ایالتی را در راستای مقابله با تمرکزگرایی خاطر نشان ساخت.[4] همچنین دیوان در رای[5] دیگر خود، مجدداً به اتفاق آرا و با استناد به فراز آخر اصلاحیه پنجم قانون اساسی که سلب مالکیت بدون جبران خسارت عادله را ممنوع می‌داند، قانون ورشکستگی کشاورزان[6] را که در

در این آرا دیوان عالی آمریکا، مصوبه کنگره و دستور اجرایی رییس جمهور مبنی بر لغو تعهد طلا را به استناد اختیارات ویژه رییس جمهور (Plenary Power) مورد تایید قرار می‌دهد.

Kenneth Dam, W., "From the Gold Clause Cases to the Gold Commission: A Half Century of American Monetary Law", University of Chicago Law Review, 504, (1983), at 504-532.

1. Schechter Poultry Corp. V. United States, 295 U.S. 495, (1935).

2. Delegation Doctrine.

بنابر این اصل که مبتنی بر مفهوم تفکیک قوا است، کنگره در تفویض اختیارات خود به سایر قوای حکومتی خصوصاً قوه مجریه با محدودیت‌هایی روبرو است و تنها در صورتی این امر مورد قبول است که کنگره یک سری اصول عقلایی جهت اجرای امر تفویض یافته توسط مفوض علیه پیش‌بینی کرده باشد. ر.ک Garner, Bryan A., op.cit. at 459.

3. Commerce Clause.

طبق این اصل که مبتنی بر بند (۳) قسمت (۸) ماده (۱) قانون اساسی ایالات متحده آمریکا است کنگره این اختیار انحصاری را دارد که تجارت بین ایالتی و بین‌المللی را با وضع قوانین تنظیم نماید.

4. Schechter Poultry Corp. V. United States, 295 U.S. 495- 1935.

همچنین سابق بر این رای، دیوان عالی در رای (Panama Refining Co. v. Ryan, 293 U.S. 388-1935) تصمیم دولت فدرال مبنی بر ممنوعیت خرید و فروش بین ایالتی و بین‌المللی، اقلام نفتی مازاد بر سهمیه‌بندی ایالتی را که مبتنی بر قانون احیای صنایع ملی است با توجه به دکترین تفویض اختیارات، خلاف قانون اساسی تشخیص می‌دهد. ر.ک.

Levy, Robert A. and William Mellor, op.cit. at 71-71.

5. Louisville Joint Stock Land Bank v. Radford, 295 U.S. 555- (1935).

6. Frazier–Lemke Farm Bankruptcy Act 1934.

راستای اعطای مهلت به کشاورزان به تصویب رسیده بود و به آنان مهلت ۵ ساله‌ای برای بازپرداخت بدهی خود با نرخ بهره ۱ درصد اعطا می‌کرد مغایر با قانون اساسی اعلام کرد.[۱]

همچنین مخالفت دیوان در سال ۱۹۳۶ با طرح نو رییس جمهور و برخی قوانین اقتصادی ایالات در پرونده‌های مختلف[۲] به غیر از یک پرونده،[۳] موجب گردید که روزولت پس از پیروزی مجدد در انتخابات ریاست جمهوری لایحه "اصلاح رسیدگی‌های قضایی"[۴] را به کنگره ارائه و پیشنهاد نماید که رییس جمهور این اختیار را داشته باشد به قضات دیوان که سنی بالاتر از ۷۰ سال و ۶ ماه دارند یک قاضی اضافه نماید. با توجه به تغییر رویه دیوان در پرونده معروف به هتل ساحل غربی[۵] و مخالفت کمیسیون امور قضایی مجلس سنا و مرگ پشتیبان طرح جوزف رابینسون[۶] این اصلاحات به فراموشی سپرده شد.[۷] با این وجود دیوان در آرای بعدی[۸] خود سیاست‌های اقتصادی دولت دال بر صرف هزینه‌های دولتی در زمینه رفاه همگانی و تامین حقوق کارگران خصوصاً در زمینه اعتصاب را با تفسیری موسع از اختیارات کنگره در زمینه تنظیم تجارت به رسمیت شناخت.[۹]

۳. آرای دیوانی در حوزه‌های بحرانی

با بررسی آرای دیوان عدالت اداری می‌توان آرای موصوف را در برخورد با پنج حوزه مشتمل بر مقررات ارزی، تورم و دستمزد، تاسیس فعالیت‌های تجاری، رقابت، انحصار و گرانفروشی و النهایه واردات و صادرات دانست. غیر از آرای حوزه اول که مربوط به هر

---

1. Barry Cushman, *Rethinking the New Deal Court; The Structure of the Constitutional Revolution* (New York: OUP, 1998) at 33-45.
2. Morehead v. New York ex rel. Tipaldo, 298 U.S.587, (1936), Ashton v. Cameron County Water Improvement, 298 U.S.513, (1936); Carter v. Carter Coal Co. 298 U.S.238, (1936); United States v. Butler, 297 U.S.1, (1936).
3. Ashwander v. TVA 297 U.S.288 (1936).
4. Judicial Procedures Reform Bill of 1937.
5. West Coast Hotel Co. v. Parrish, 300 U.S. 379, (1937).
6. Joseph T. Robinson.
7. Robert McCloskey, G., op.cit. at 116-120.
8. NLRB v. Jones & Laughlin Steel Corp. 301 U.S.1, (1937); Helvering v. Davis, 301 U.S.619, (1937).
9. Howard Ball, *Hugo L. Black; Cold Steel Warrior* (New York: OUP, 1996) at 86-88.

دو دوره بحرانی مورد بحث است، آرای سایر حوزه‌ها مربوط به بحران اقتصادی کنونی است که در ادامه به تحلیل آنها خواهیم پرداخت.

اول- آزادی در تاسیس فعالیت‌های تجاری: افراد آزاد هستند که به هر نوع کسب و کاری (تجارت) در هر قالب (اعم از فعالیت تجاری خرد یا کلان) و هر مدلی (مغازه‌داری، تاسیس تجارتخانه یا شرکت تجاری) که موجب ضرر دیگران نشود اقدام نمایند و این آزادی در اصل ۲۸ قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفته است.[۱] از جمله مصادیق آزادی تجارت، آزادی تاسیس تجارتی است که به موجب آن ایجاد هرگونه مانع قانونی و نهادی بر سر راه ایجاد تاسیسات تجاری غیرقابل پذیرش تلقی می‌گردد؛ چرا که محدود نمودن آزادی افراد در انتخاب مدل تجاری به صورت مستقیم نحوه استفاده افراد از اموالشان را تحت تاثیر قرار می‌دهد و این امر در تضاد جدی با اصل تسلیط (الناس مسلطون علی اموالهم) می‌باشد.

با این وجود به دلیل سابقه اقدامات سلطه‌طلبانه کشورهای بیگانه نه تنها در اصول ۲۳ و ۲۴ قانون اساسی مشروطه، اعطای تشکیل کمپانی و شرکت‌های عمومی و امتیازات انحصاری تجاری و غیره از دولت سلب و در اختیار مجلس قرار گرفت بلکه در اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و موسسات در امور تجارتی، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع اعلام گردید. این ممنوعیت و لزوم تعامل در اقتصاد بین‌المللی موجب صدور آرای تفسیری (آرای شماره ۱۷۷۱ مورخ ۱۳۶۲/۰۲/۰۲، شماره ۱۷۲۳ ر-۲۴ مورخ ۱۳۶۲/۰۲/۰۳ و شماره ۷۶۶۱ مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۰۷) از جانب شورای نگهبان به منظور ایجاد نوعی گشایش در عرصه تجارت دولت و فعالیت بیگانگان در ایران گردید که النهایه با تصویب قانون تشویق و جلب سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۸۱ گام بلندی در این خصوص برداشته شد.

ضرورت نظارت بر فعالیت بیگانگان در ایران و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان از طریق ارائه خدمات پس از فروش، موجب تصویب قانون اجازه ثبت شعبه و نمایندگی شرکت‌های خارجی در سال ۱۳۷۶ و قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در سال ۱۳۸۸ گردید. به موجب ماده ۴ قانون اخیرالذکر، فعالیت کلیه واردکنندگان و

---

۱. روح الله موذنی، *حقوق عمومی اقتصادی؛ مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه* (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۳) صص ۲۰۰-۲۳۴.

فروشندگان کالاهای بادوام خارجی در ایران به داشتن نمایندگی رسمی و تعمیرگاه مجاز، تأمین قطعات یدکی و ارائه سرویس و خدمات بعد از فروش طبق دستورالعمل‌های موضوع مواد ۳۷، ۳۸ و ۳۹ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان منوط گردید و وزارت صنعت، معدن و تجارت بعنوان مرجع صدور گواهینامه نمایندگی شرکت‌های خارجی در ایران اعلام گردید.

بروز بحران اقتصادی پیرو تحریم اقتصادی سال‌های ۱۳۸۹ الی۱۳۹۴ و دشواری در مبادلات تجاری موجب گردید که «دستورالعمل نحوه صدور گواهی فعالیت نمایندگان توزیع‌کنندگان، دفاتر و شعب شرکت‌های خارجی عرضه‌کننده کالاهای سرمایه‌ای در ایران مصوب ۱۳۹۴/۰۱/۲۹» با رویکرد مقابله با تحریم‌های اقتصادی به تصویب وزیر صنعت، معدن و تجارت برسد و شرایط اعطای گواهینامه نمایندگی خارجی تسهیل گردد. پس از رفع تحریم‌های بین‌المللی در تاریخ ۱۳۹۵/۰۶/۱۸ دستورالعمل جدید برخلاف دستورالعمل قبل که در شرایط تحریم، اعطای گواهینامه نمایندگی شرکت خارجی به شرکت‌های واسط را مشروط به سپردن تعهدنامه شرکت متقاضی میسر می‌دانست، اعطای گواهینامه نمایندگی را به داشتن رابطه قراردادی مستقیم با شرکت خارجی منوط نمود. این مسئله موجب شد برخی نمایندگی‌های خارجی به استناد نقض حقوق مکتسبه، ابطال دستورالعمل جدید را از دیوان عدالت اداری مطالبه نمایند.

دیوان عدالت اداری نیز بدون توجه به دفاعیات نماینده وزارت صنعت، معدن و تجارت دال بر اینکه «بنابر تصریح تبصره ۱ ماده ۲ دستورالعمل موصوف، گواهینامه شاکی در شرایط بحرانی و با اخذ تعهد از نامبرده صادر شده است؛ لذا حق مکتسب وی محدود به شرایط مندرج در دستورالعمل و تعهدنامه است». با تفسیری لفظی و اطلاق‌گیری از اصطلاح «نمایندگی رسمی» مندرج در ماده ۴ قانون حمایت از مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸، تفکیک بین نمایندگی رسمی مستقیم و غیرمستقیم را موجب تضییع حقوق دارندگان نمایندگی رسمی غیرمستقیم دانسته و به موجب دادنامه شماره ۸۸۱ مورخ ۱۴/۹/۱۳۹۶ دستورالعمل مذکور را به این دلیل ابطال می‌نماید.[۱]

---

۱. جهت اطلاع از رای دیگر دیوان با شرایط و استدلال مشابه در خصوص ابطال اطلاق ماده (۴۵) دستورالعمل اجرایی تاسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها مصوب ۱۳۹۳/۰۵/۲۸ شورای پول و اعتبار ر.ک. رای شماره ۲۹۵ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۰۵.

هرچند تفسیر لفظی دیوان، حافظ حق مکتسبه دارندگان گواهی نمایندگی خارجی غیرمستقیم و اصل آزادی نهادهای تجاری و مانع از تحمیل هزینه‌های ناشی از تغییر ناگهانی سیاست‌های اقصادی دولت بر فعالان اقتصادی بخش خصوصی است اما این مزایا نباید موجب غفلت از شرایط زمان تصویب مقررات دولتی شود. کارایی دولت جهت حفظ مصالح و منافع عمومی به میزان قابل توجهی به سرعت عمل در پیش‌بینی و مقابله با بحران‌های اجتماعی اعم از بحران‌های اقتصادی ارتباط دارد.

دوم- نرخ تورم و دستمزد: تورم یکی از موضوعاتی است که نه تنها موجب بحرانی شدن اقتصاد است بلکه بعضاً سیاستی است برای خروج از بحران. به عبارت دیگر هرگاه تورم از طریق رشد مداوم قیمت کالاها و خدمات به گونه‌ای عمل کند که مستمراً قدرت خرید پول کاهش یابد، نه تنها سپرده‌گذاری و اعتماد به پول ملی کاهش و تقاضا برای سرمایه‌گذاری در کالاهای امن اما غیرمولد نظیر طلا و مسکن افزایش می‌یابد، بلکه به دلیل مبهم شدن دورنمای فعالیت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری نیز دچار رکود می‌گردد. روی دیگر سکه تورم آن است که در برخی از بحران‌های اقتصادی خصوصاً نوع رکودی آن، ایجاد تورم به منظور تحریک طرف تقاضا راهی است برای خروج از بحران.[۱]

کاهش قدرت خرید کارمندان، بازنشستگان و کارگران از جمله حالاتی است که تورم مشکل‌آفرین می‌گردد و دولت‌ها غالباً سعی می‌کنند با اعمال نرخ تورم سالانه در دستمزد کارگران و کارکنان از تاثیر منفی آن بر معیشت خانوارهای دارای درآمد ثابت بکاهند و در این خصوص می‌توان به بند (ز) ماده ۳ قانون برنامه سوم توسعه اشاره کرد که دولت را مکلف می‌نماید که حقوق کلیه کارکنان، بازنشستگان، مستمری‌بگیران و کارگران با هر قراردادی که کار می‌کنند را متناسب با تورم و حداقل مساوی با آن افزایش دهد و چنانچه در پایان هر سال، رشد تورم بیش از افزایش حقوق بود ... تفاوت را به عنوان دیون در سه ماهه اول سال بعد پرداخت نماید. همچنین ماده ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری با محفوظ قلمداد نمودن حداقل افزایش حقوق به میزان تورم،

---

۱. تاماراک مُنجاک، *بانکداری مرکزی؛ ثبات پولی و مالی: نظریه و عمل*، ترجمه احمد عزیزی و فاطمه نوربخش (تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۷) صص ۱۴-۱۶ و ۲۹-۳۱.

اعلام می‌دارد «ضرایب حقوق ... در سال‌های بعد حداقل به اندازه تورم که هر ساله از سوی بانک مرکزی اعلام می‌گردد، افزایش می‌یابد».[۱]

بدیهی است فلسفه وجودی افزایش حقوق کارکنان، بازنشستگان و کارگران را باید در عدالت توزیعی و اصل لاضرر دانست که وارد شدن زیان به اشخاص را منع می‌نماید.[۲] البته می‌توان آرای دیوان عدالت اداری در خصوص تاثیر تورم بر دستمزد و حقوق کارکنان را به دو دوره تقسیم کرد. در دوره اول، دیوان عدالت اداری با استناد به ماده ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و تفسیر لفظی واژه «متناسب» در ماده ۱۵۰ قانون برنامه چهارم توسعه و معادل دانستن عبارت «افزایش دستمزد متناسب با افزایش نرخ تورم» با عبارت «افزایش دستمزد معادل با نرخ تورم» بندهای ۱، ۲ و ۶ تصویب‌نامه شماره ۱۱۰۰۸/ت ۳۷۱۵۰ هـ مورخ ۱۳۸۶/۰۱/۲۸ و بند ۱۰ تصویب‌نامه شماره ۳۵۰۹۵/ت ۳۹۹۱۶ هـ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۰۷ هیات وزیران دال بر افزایش حقوق کارکنان دولت به میزانی کمتر از نرخ تورم را مغایر قانون دانسته بود.[۳]

متاسفانه با ابطال تصویب‌نامه‌های فوق و با این استدلال که «پس از ابطال مصوبه مذکور، مصوبه دیگری که مبین نحوه و چگونگی احتساب افزایش حقوق مورد نظر شاکی است، هنوز به تصویب نرسیده و موجبات اجرای قانون فراهم نشده است» دادخواست برخی از کارمندان و بازنشستگان در شعب دیوان عدالت اداری رد می‌گردید.[۴] ولی با توجه به اینکه برخی از شعب دیوان عدالت اداری بدون توجه به عدم

---

۱. ماده (۱۵۰) قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۱۱ مقرر می‌دارد: «دولت موظف است که حقوق کلیه کارکنان و بازنشستگان دولت را طی برنامه چهارم و در ابتدای هر سال برای تمامی رشته‌های شغلی، متناسب با نرخ تورم افزایش دهد».

۲. محمداسماعیل توسلی، *تحلیل ماهیت پول و بنیان‌های اعمال سیاست پولی در اقتصاد اسلامی*، چاپ دوم (تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶) صص ۱۳۱-۱۳۴.

۳. ر.ک. آرای شماره۱۵۰۷-۱۵۵۱ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۶، شماره ۳۷۷-۳۸۸ مورخ ۱۳۸۸/۰۵/۰۴، شماره ۶۶۷ مورخ ۱۳۸۸/۰۹/۱۶و شماره ۵۸۴-۵۸۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۲.

۴. ر.ک. دادنامه‌های شماره ۱۰۸۴ مورخ ۱۳۸۸/۰۶/۰۹ شعبه اول دیوان عدالت اداری و شماره ۱۱۵۲ مورخ ۱۳۸۹/۰۵/۱۳ شعبه ۲۴ دیوان عدالت اداری.

تصویب مقررات اجرایی، به نفع شکات اقدام به صدور رای نمودند،[۱] تعارض آرا بین شعب دیوان عدالت اداری حادث و دیوان به موجب رای وحدت رویه شماره ۵۸۵-۵۸۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۲ ضمن رفع تعارض بین شعب دیوان، شکایات کارکنان را مورد تایید قرار داد.[۲]

اما دیوان عدالت اداری در دوره دوم و متاثر از قوانین بودجه سنواتی سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ و شق آخر بند الف ماده ۵۰ قانون برنامه پنجم توسعه که نرخ افزایش حقوق کارکنان را محدود به منابع بودجه کرده بود، صراحتاً طبق ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در قالب آرای شماره ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹ و ۱۲۲۰ همگی به تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ از رویه سابق خود عدول و بدون توجه به نرخ تورم، افزایش حقوق کارکنان دولت را در چارچوب منابع موجود و در حد ارقام تعیین شده در قوانین بودجه مجاز می‌داند. به واقع این چرخش، حکایت از غلبه تفسیر لفظی در آرای دیوان عدالت اداری دارد؛ چرا که دیوان در آرای دوره اول با وجود قوانین محدودکننده سقف افزایش حقوق کارکنان، حکم به افزایش حقوق مساوی با نرخ تورم داده است. همچنین از این‌رو است که قانونگذار نیز در بند پ ماده ۲۸ قانون برنامه ششم، این چرخش رویه را صرفاً در طول عمر برنامه تایید کرده است.[۳]

سوم- قیمت‌گذاری و تحدید تجارت داخلی: همچنانکه ذکر شد، در شرایط بحران اقتصادی به دلیل نیاز مبرم مردم به تامین کالا و خدمات اساسی و ضروری، دولت ناگزیر به قیمت‌گذاری می‌گردد[۴] و در این خصوص قوانین متعددی قابل اشاره است که از یک سو موضوعات و اشخاص مشمول و از سوی دیگر مرجع و نحوه قیمت‌گذاری را تبیین

---

۱. ر.ک. دادنامه شماره ۹۴۱ مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۰، شعبه ۲۱ دیوان عدالت اداری و دادنامه شماره ۱۷۸۸مورخ ۱۳۸۸/۹/۱۸ شعبه ۳ دیوان عدالت اداری.

۲. علی مشهدی و شکوه حیدری دهاقانی، «افزایش حقوق کارکنان دولت مطابق نرخ تورم بانک مرکزی»، دوفصلنامه رویه قضایی شعب دیوان عدالت اداری، دوره ۵، شماره ۵، (۱۳۹۷)، صص ۱۳-۱۶.

۳. بند پ ماده ۲۸. دولت در حدود اعتبارات هزینه‌ای سالانه و متناسب با نرخ تورم نسبت به تعیین ضریب حقوق کارکنان دولت اعم از مشمولان و غیرمشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری در لوایح بودجه سنواتی اقدام کند. این حکم در طول برنامه حاکم بر ماده ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری خواهد بود.

۴. در خصوص تحلیل مبانی فقهی قیمت‌گذاری ر.ک. سیدعباس موسویان و حسن بهاری قراملکی، «ضوابط قیمت‌گذاری از منظر فقه امامیه»، نشریه معرفت اقتصاد اسلامی، دوره ۱، شماره۲، (۱۳۸۹)، صص ۱۳۶ـ ۱۰۹.

کرده‌اند.[۱] همانطور که قیمت‌گذاری به خاطر انحصاری بودن کالاها و خدمات مبنا و مصادیق خاص خود را دارد، ضرورت موقت بودن قیمت‌گذاری سایر کالاها و خدمات در ماده ۵۲ قانون نظام صنفی مورد تاکید است. با این وجود مجموعاً محدود شدن تجارت داخلی به بهانه دسترسی مصرف‌کنندگان و نفی موقعیت مسلط بر بازار، نتیجه قیمت‌گذاری‌های بی‌ضابطه خواهد بود. از این‌رو، نظارت جدی بر مقررات و احکام مربوط به قیمت‌گذاری باید در راستای رعایت اصول رقابت، عدم تبعیض، شفافیت، رعایت تشریفات قانونی و عقلانیت باشد و استناد به بحرانی بودن شرایط اعمال قیمت‌گذاری و مقابله با تحریم‌های اقتصادی نمی‌تواند نافی اصول فوق باشد. در زمینه شفافیت مقوله قیمت‌گذاری می‌توان به رای شماره ۱۲۸۸ مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۰۵ هیات عمومی دیوان عدالت اداری اشاره کرد.

وزارت صنعت، معدن و تجارت به تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۲۳ و به موجب بند ۴ بخشنامه محرمانه شماره ۶۶۸۴ /م/ص برای مقابله با گرانفروشی مقرر داشته بود «هرگونه تغییر در بازار که در سامانه قیمت‌های سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ثبت نشده باشد بدون هماهنگی با سازمان‌های استانی و سازمان حمایت به منزله گرانفروشی تلقی شده و با هماهنگی سازمان تعزیرات حکومتی در استان، حداکثر مجازات‌های مقرر در قانون اعمال شود».

وضع مقرر فوق موجب شده بود که شاکی به استناد اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها (اصل ۳۶ قانون اساسی) و اصل انتشار قوانین لازم الاجرا (مواد ۱ و ۲ قانون مدنی) مدعی مخالفت آن با اسلام (مستند به قاعده قبح عقاب بلابیان) و قانون اساسی بوده و ابطال بند مذکور را از دیوان عدالت اداری مطالبه نماید. در مقابل نیز مشتکی عنه اعلام می‌دارد که «اولاً این بخشنامه در یک برهه زمانی بسیار حساس که زمان تشدید

---

۱. از جمله مهمترین مستندات قانونی در این خصوص می‌توان به قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۸، بند (د) ماده ۱۰۱ قانون برنامه پنجم توسعه و ماده ۵۱ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲ با اصلاحات ۱۳۹۲ اشاره کرد که به روشنی حاکی از آن است که دولت در سال‌هایی که با بحران اقتصادی و رشد فزاینده تورم روبرو بوده است، بدون توجه به ریشه‌های بحران جهت تنبیه و مجازات عاملان حتی کوچک اقتصادی چنین قوانینی تصویب کرده است. مسعود نیلی و همکاران، *اقتصاد ایران؛ چگونگی گذر از ابرچالش‌ها*، ج.۱ (تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۷) صص ۱۳۸-۱۴۴.

تحریم‌ها و به دنبال آن تحریم ارزی و گران شدن دلار را به دنبال داشت، صادر شده است که حتماً می‌باید جلوی افزایش این قیمت‌ها گرفته می‌شد و ثانیاً صدور اینگونه بخشنامه‌ها و همچنین بخشنامه‌های محرمانه در دستگاه‌های اجرایی و حتی قضایی مرسوم است و شاید به جهت جلوگیری از هرگونه تنش در سطح جامعه و به لحاظ عدم ضرورت اطلاع عامه مردم به صورت محرمانه صادر شده باشد؛ لذا محرمانه بودن آن صرفاً جهت تأکید بر انجام وظایف محوله به دستگاه‌های مجری است. بنابراین با توجه به اینکه این بخشنامه در چارچوب وظایف وزارتخانه صادر و در برهه زمانی خویش کاربرد داشته است، جنبه اعمال مجازات جدید نمی‌باشد و هیچگونه مغایرتی با مبانی فقهی و شرعی و قانونی ندارد».

دیوان عدالت اداری در این خصوص نیز بدون اینکه وضع مقرره محرمانه با موضوع جرم‌انگاری فعالیت‌های اقتصادی را نقض اصل صراحت و شفافیت قوانین و مقررات[1] تشخیص دهد یا آنکه ادعای متشکی‌عنه دال بر حدوث شرایط بحران اقتصادی را تحلیل یا مورد پاسخ قرار دهد، صرفاً به استناد اینکه جرم‌انگاری در حدود صلاحیت وزرات صنعت، معدن و تجارت نیست، نسبت به ابطال مصوبه اقدام می‌نماید.[2]

همچنین رویه و صلاحیت دیوان عدالت اداری در خصوص تعیین مرجع قیمت‌گذاری و پیش از آن مرجع تشخیص بازار انحصاری که الزاماً باید تحت قواعد قیمت‌گذاری تدبیر گردد، قابل چالش است. برای مثال، دیوان به موجب رای شماره ۹۳۱ مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۱ در خصوص اینکه آیا بازار محصولات پتروشیمی انحصاری و در نتیجه مشمول قیمت‌گذاری است، اختیار نهادی و قانونی شورای رقابت در تعیین بازارهای انحصاری طبق بندهای ۳ و ۵ ماده ۵۸ قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی را نادیده گرفته و صرفاً به استناد اینکه در بند د ماده ۱۰۱ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹، دولت مکلف شده است که ضوابط تعیین کالاهای اساسی، انحصاری و خدمات عمومی و نیز فهرست و ضوابط تعیین قیمت این کالاها و خدمات را به تصویب شورای اقتصاد برساند، اقدام شورای رقابت در اعلام انحصاری بودن بازار پتروشیمی را فاقد وجاهت قانونی

---

۱. محمد راسخ، «ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون» مجلس و پژوهش، دوره ۱۳، شماره ۵۱، (۱۳۸۴)، صص ۲۱-۲۳.

۲. همچنین ر.ک. آرای شماره ۶۲و۶۱ مورخ ۱۳۷۱/۰۴/۳۰، شماره ۴۸۷ مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۲۴ و شماره ۹۳۱ مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۱.

می‌داند[۱] این در حالی است که طبق ماده ۹۲ قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مادام که در قوانین بعدی نسخ و یا اصلاح مواد و مقررات این قانون صریحاً و با ذکر نام این قانون و ماده مورد نظر قید نشود، احکام این قانون معتبر خواهد بود.

چهارم- واردات و صادرات: در صورتی که تامین نیازهای اساسی جامعه در شرایط بحران اقتصادی از طریق قیمت‌گذاری میسر نگردد، سیاست تامین نیازهای اساسی از طریق حمایت از بخش‌های خاص اقتصادی نظیر بخش کشاورزی اهمیت بسیاری می‌یابد و در نتیجه دولت به ناچار در حوزه تجارت خارجی به دلیل کمبود ارز خارجی در دسترس[۲] از یک سو، برخی محدودیت‌ها را بر واردات کالاهای رقیب نظیر کالاهای لوکس و تجملی تحمیل می‌کند و از سوی دیگر، تعرفه‌هایی برای صادرات کالا و خدمات اساسی مورد نیاز ایجاد می‌کند. در خصوص ایجاد محدودیت بر واردات می‌توان به رای شماره ۷۸۴ مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۲۴ هیات عمومی دیوان عدالت اداری اشاره کرد.

قضیه به این مسئله بازمی‌گردد که دفتر واردات گمرک ایران علاوه بر تصویب افزایش سود بازرگانی ۱۵۹ قلم از کالاهای کشاورزی[۳]، اجرای آن مصوبه را به تاریخ ۱۳۹۰/۰۵/۰۱ عطف بماسبق نموده بود، از این‌رو با شکایت یکی از واردکنندگانی که کالاهای خود را قبل از تاریخ موصوف ثبت سفارش و ترخیص قطعی نموده بود روبرو شد. شاکی در دادخواست خود علاوه بر اینکه اصل عطف بماسبق نشدن قوانین را حاکم بر قانون و مقرره اعلام می‌کرد، به حق مکتسب خود ناشی از ترخیص قطعی کالا استناد می‌نماید.

---

۱. ابراهیم رهبری، «نقدی بر نحوه مداخله دیوان عدالت اداری در تصمیمات قطعی شورای رقابت»، فصلنامه رای، دوره ۶، شماره ۱۹، (۱۳۹۶)، صص ۵۴-۵۸.

۲. بطور کلی کاهش ارزش پول ملی در مقابل ارزهای خارجی موجب رونق صادرات است و مطلوبیت تحصیل ارز خارجی موجب می‌گردد که کالاها و خدمات تولید داخل بیشتر صادر گردد. از این رو، بدیهی است که صادرات برخی کالاهای اساسی و ضروری در زمان کاهش ارزش پول ملی (خصوصاً اگر کاهش ارزش پول ملی ناشی از کمیابی ارزهای خارجی به دلیل رکود اقتصادی باشد) محدود گردد. ر.ک. جمیز ریکاردز، *جنگ‌های ارزی؛ روایتی حیرت‌انگیز از جنگ اقتصادی کشورها با ابزار پول و طلا*، ترجمه حسین راهداری (تهران: چاپ پنجم، انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۷) صص ۲۱-۵۱.

۳. ر.ک. تصویب‌نامه شماره ۱۸۳۰۶۹/ ت۴۷۳۳۰ ک مورخ ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و بخشنامه شماره ۲۴/۷۳/۴۶۶/۷۴۰/۱۹۲۶۸۶/۹۰/۱۹۴۱۹۰ مورخ ۱۳۹۰/۰۹/۲۸.

در مقابل متشکی‌عنه اعلام می‌دارد که سیاست مذکور مستند به ماده ۱۶ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی مصوب ۱۳۸۹/۰۴/۲۳ صورت گرفته و با تفسیر عبارت قانونی «برای واردات کلیه کالاها و محصولات بخش کشاورزی تعرفه مؤثر وضع نماید به گونه‌ای که نرخ مبادله همواره به نفع تولیدکننده داخلی باشد» مدعی است که دولت می‌تواند با بهره‌گیری از لفظ "همواره" برای حمایت از تولیدکننده داخلی، زمان اجرای تعرفه‌ها را عطف به‌ماسبق نماید تا تولیدهای قبلی مورد حمایت قرار گیرد و یا تعرفه کالاهایی که وارد کشور شده است ولی تاکنون از گمرک ترخیص نشده متناسب با قیمت کالاهای داخلی گردد.

در نهایت، دیوان عدالت اداری با توجه به وظیفه قانونی وزارت صنعت، معدن و تجارت[1] دایر بر اینکه تغییرات کلی[2] آیین‌نامه اجرایی قانون و جداول ضمیمه مقررات صادرات و واردات را با رعایت تشریفات مقرر و قبل از پایان هر سال برای سال بعد و تغییرات موردی آنها را طی سال تهیه و با رعایت حقوق مکتسب به تصویب هیأت وزیران برساند، تأخیر در انجام آن را غیرقابل قبول دانسته و انجام تکلیف مذکور در خارج از زمان قانونی و عطف بماسبق نمودن آن را نافی حقوق مکتسب واردکنندگانی می‌داند که با تعرفه قبلی نسبت به واردات کالا به کشور اقدام و سود بازرگانی را بر اساس تعرفه قبلی پرداخته‌اند.

ظاهراً رعایت مهلت‌های قانونی جهت تصویب، اعلام و اجرای مقررات دولتی نظیر آنچه در ماده ۴ قانون مقررات صادرات و واردات آمده است نزد دیوان عدالت اداری بسیار حائز اهمیت می‌باشد؛ چرا که در رای شماره ۴۳۷ مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۱۰، دیوان عدالت اداری عدم رعایت موعد مقرر در تبصره ۳ ذیل بند ب ماده ۱۰۴ قانون برنامه

---

۱. موضوع ماده ۴ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲.

۲. به نظر می‌رسد تغییرات جزیی آیین‌نامه اجرایی قانون و جداول ضمیمه مقررات صادرات و واردات مشمول مهلت مقرر نباشد. در این خصوص ر.ک. رای شماره ۱۲۱مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۹هیات تخصصی اقتصادی، مالی و اصناف دیوان عدالت اداری.

پنج‌ساله پنجم توسعه[1] جهت اجرای مقررات دولتی را موجبی برای ابطال بخشنامه سازمان توسعه تجارت ایران دانسته است.

بالاخره در خصوص ممنوعیت بر صادرات، می‌توان به رای شماره ۲۴۲۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری اشاره کرد. قضیه به این مسئله بازمی‌گردد که وزیر صنعت، معدن و تجارت به موجب بخشنامه شماره ۶۰/۱۸۷۷۱۳ مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۶ و مستند به بند ۴ مصوبات نهمین جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی، ابلاغی طی نامه شماره ۷۰۱۱۸ مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۹ رییس جمهور؛ صادرات سیب زمینی، خوراک دام و طیور و رب گوجه فرنگی را تا اطلاع ثانوی ممنوع می‌نماید.

در مقابل شاکی با این استدلال که ممنوعیت اعلامی موجب نقض بند الف ماده ۲۳ قانون احکام دائمی توسعه کشور است ابطال بخشنامه موصوف را تقاضا می‌کند. لازم به ذکر است طبق ماده موصوف، جلوگیری از صادرات هرگونه کالا حتی به منظور تنظیم بازار داخلی ممنوع است.

النهایه دیوان با وجود تایید مفاد ماده مذکور، تعیین ممنوعیت بر صادرات کالا را مستند به مصوبه شورای هماهنگی اقتصادی مجاز می‌داند اما از آنجایی که طبق مصوبه شورای موصوف، وضع ممنوعیت باید موقتی و تا زمان رفع اضطرار بوده باشد، بخشنامه موصوف را فقط به این دلیل که مفید موقتی بودن نیست ابطال می‌نماید.

علاوه بر اینکه اثر ابطال بخشنامه به کیفیت مذکور روشن نیست و به استناد رای ابطالی دیوان نمی‌توان مدتی برای اجرای بخشنامه تعیین کرد، در هیچ کجای رای مشخص نشده است که چگونه می‌توان به استناد مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی، حکم قانون را تعلیق نمود؟ در شنیده‌ها است که مصوبه شورا به تایید مقام رهبری رسیده و به اعتبار حکم حکومتی بر قانون تفوق یافته است.

---

۱. ماده ۱۰۴. ب ـ اخذ هرگونه مالیات و عوارض از صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات در طول برنامه ممنوع است.

تبصره۲ـ دولت مجاز است به منظور صیانت از منابع کشور، عوارض ویژه‌ای برای صادرات مواد خام یا دارای ارزش افزوده پایین وضع و دریافت نماید.

تبصره۳ـ میزان عوارض موضوع این ماده برحسب جدولی است که متناسب با افزایش سهم ارزش افزوده داخلی، کاهش می‌یابد. فهرست و عوارض مربوطه این کالاها و جدول مذکور به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد. این عوارض حداقل سه ماه پس از وضع و اعلام عمومی قابل وصول است.

پنجم- پیمان‌سپاری ارزی: پیمان‌سپاری ارزی به این معنا که صادرکنندگان کالاها و خدمات مکلف به فروش میزانی از ارز حاصل از صادرات خود به نرخ روز یا نرخ قیمت‌گذاری شده به دولت یا بانک‌های مجازی باشند که تخلف از آن جرم‌انگاری شده است، برای اولین بار در قانون متمم قانون تفتیش اسعار خارجی مصوب ۱۳۰۹/۰۴/۳۱ و پیرو بحران اقتصادی آن سال تصویب گردید. این قانون پیرو تصمیم مجلس شورای ملی دایر بر دعوت دولت به اتخاذ تدابیر رفع بحران اقتصادی و تقدیم لوایح مربوطه به مجلس شورای ملی ۱۳۰۸/۱۱/۲۷ و برای اصلاح و تکمیل مجموعه قوانین دیگری نظیر قانون اجازه تفتیش و نظارت در خرید و فروش اسعار خارجی به وسیله کمیسیون نرخ اسعار ۱۳۰۸/۱۲/۰۶، قانون اجازه تاسیس وزارت طرق و شوارع و وزارت اقتصاد ملی بجای وزارت فوائد عامه ۱۳۰۸/۱۲/۲۷، قانون تعیین واحد و مقیاس پول قانونی ایران ۱۳۰۸/۱۲/۲۷، قانون مالیات بر شرکت‌ها و تجارت و غیره ۱۳۰۹/۰۱/۲۲، قانون مبادله ضمیمه نمره ۵ امتیازنامه بانک شاهنشاهی ایران ۱۳۰۹/۰۳/۰۶ و مقابله با شرایط بحران اقتصادی تصویب شده است. البته پس از آن به دلیل شرایط بحرانی قوانین دیگری نظیر قانون واگذاری انحصار تجارت خارجی مملکت به دولت ۱۳۰۹/۰۹/۰۶ و قانون متمم قانون انحصار تجارت خارجی ۱۳۰۹/۱۲/۲۰ نیز به تصویب رسید.[۱]

از آن زمان تاکنون نیز در نظام حقوقی و اقتصادی ما از طریق تصویب قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران ۱۳۳۶/۱۲/۲۴، آیین‌نامه‌های متعدد بانک مرکزی و آرای قضایی این سیاست ارزی ادامه داشته است؛ لذا در ادامه پیش از تحلیل آرای دیوان عدالت اداری، مختصراً آرای دیوان عالی کشور نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد.

در واقع دیوان عالی کشور در دو مورد از آرای خود[۲] در اختلاف بین شعب مختلف دیوان عالی کشور در تفسیر مواد ۵[۱] و ۷[۲] قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک

---

۱. معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رییس جمهور، *اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضاشاه (۱۳۰۵-۱۳۱۱)* (تهران: انتشارت سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰) صص ۳۵-۱۱۰.

۲. ر.ک. آرای وحدت رویه شماره ۵۸۴ مورخ ۱۳۷۲/۰۷/۱۳و شماره ۶۷۸ مورخ ۱۳۸۴/۰۴/۲۸.

ملی ایران و ماده ۴۸ اصلاحی قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲،[۳] دو تفسیر متفاوت ارائه داده است. بعبارت دیگر، دیوان در رای مقدم خود با منسوخ اعلام نمودن ماده ۴۸ اصلاحی قانون مجازات اسلامی طبق نظریه تفسیری شورای نگهبان مبنی بر عدم پذیرش مرور زمان در امور جزایی، بدون توجه به مخاطرات ناشی از تعقیب قضایی صادرکنندگان پس از گذشت زمان طولانی و اصل تفسیر قوانین کیفری به نفع متهم، تعقیب متخلفین از پیمان‌سپاری ارزی را مشمول مادتین ۵ و۷ قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران دانسته و مهلت یا مدتی برای اقامه دعوای کیفری به رسمیت نمی‌شناسد.

با این وجود دیوان عالی کشور در سال ۱۳۸۴ با حدوث اختلاف فی مابین شعبه ۱۴ تجدیدنظر تهران و شعبه ۹ تجدیدنظر اصفهان، با پذیرش اصل مرور زمان در جرایم بازدارنده، از نظر سابق عدول نموده و با این باور که قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملّی ایران و قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ از جمله مقررات حکومتی است که به منظور رعایت مصالح عمومی و حفظ منافع ملّی در زمان بحران اقتصادی تصویب شده است، مجازات‌های مقرر در آنها را بازدارنده دانسته و به موجب ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری با تحقق شرایط قانونی مشمول مرور زمان تعقیب می‌داند.

النهایه دیوان عالی کشور در دیگر رای وحدت رویه خود به شماره ۶۱۶ مورخ ۱۳۷۶/۰۳/۰۶، با توجه به کارآمد شدن نقض تعهدات مربوط به پیمان‌سپاری ارزی از طریق تمسک به باب مرور زمان توسط صادرکنندگان[۴]، ناگزیر به تفسیر حکم ماده ۱۳

---

۱. ماده ۵: صادرکنندگان مکلفند در موقع صدور کالا تعهد ارزی بر اساس ارزیابی گمرک به بانک ملی ایران سپرده و ارز حاصل از صادرات خود را به‌ایران انتقال داده و ... .

۲. ماده ۷: متخلفین از مواد ۳ و ۵ و ۶ این قانون ... علاوه بر پرداخت مبلغ مورد تعهد به جزای نقدی تا معادل ۵۰٪ مبلغ موضوع عمل یا معامله ممنوع محکوم می‌شوند. ... تعقیب کیفری منوط به شکایت بانک ملی ایران بوده و بانک ملی ایران مجاز است تا قبل از صدور حکم قطعی شکایت را مسترد دارد.

۳. ماده ۴۸: در مواردی که تعقیب جزایی موکول به شکایت متضرر از جرم است، هرگاه تا شش ماه از تاریخ اطلاع از وقوع جرم شکایت نکند حق تعقیب جزایی ساقط می‌شود ... .

۴. بعبارت دیگر با توجه به اینکه از یک سو تعقیب صادرکنندگان منوط به اقامه دعوا از جانب بانک مرکزی (سابقاً بانک ملی) ظرف مدت ۶ ماه (به استناد قاعده مرور زمان) است و از سوی دیگر این امکان وجود دارد که بانک

قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲/۰۷/۰۴دال بر معافیت کلیه کالاهای صادراتی کشور (به استثنای نفت خام و فرآورده‌های پایین دستی آن که تابع مقررات خاص خود است) از هرگونه تعهد یا پیمان ارزی و ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی سابق شد.

دیوان در این پرونده با پذیرش این استدلال که مقررات و قوانین ارزی تابع مصالح اقتصادی و ارزی کشور است و بر حسب اوضاع و احوال و موارد خاص تغییر می‌کند، معافیت مقرر در ماده ۱۳ قانون صادرات و واردات را مشمول قسمت اخیر بند ۱ ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی سابق[1] دانسته و ادعای اثر فوری در خصوص این مقررات را نپذیرفته است. در واقع دیوان در این رای، ویژگی دائمی بودن قوانین[2] در حوزه مقررات ارزی را با اشاره به اذن کلی بند ج از ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور مبنی بر صلاحیت بانک مرکزی در تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی و تعهد یا تضمین پرداخت‌های ارزی و ماده ۲۹ قانون مذکور دال بر اینکه بانک مرکزی ایران در هر مورد که مصلحت اقتصادی و ارزی کشور ایجاب کند می‌تواند صادرکنندگان یک یا چند نوع کالا را از سپردن پیمان ارزی معاف نماید، انکار می‌نماید.

همچنانکه بررسی آرای دیوان عالی کشور نشان داد مقررات ارزی به دلیل نوسانات ارزی همواره اختلافی بوده است و دیوان علاوه بر اینکه منظور مقنن از تصویب قوانین حوزه پیمان‌سپاری ارزی را رعایت مصالح عمومی و منافع ملی اعلام می‌کند، تغییر و تحول در آن قوانین را به همین استناد مجاز و در این حوزه اجرای فوری قوانین خفیف‌تر نسبت به حال مجرمین را ممنوع اعلام می‌کند.

مرکزی به دلیل حجم تکالیف محوله نتواند علیه همه آنها اقامه دعوا کند، شانه خالی کردن از زیر بار تعهدات کارآمد می‌گردد. ر.ک. مهدی انصاری، «نظریهٔ نقض کارآمد قرارداد از دیدگاه مکتب تحلیل اقتصادی حقوق»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۱، شماره ۱، (۱۳۹۰)، ص ۳۹-۵۷.؛ سام محمدی و حسام کدیور، «نقض کارآمد قرارداد در حقوق ایران»، حقوق خصوصی، دورهٔ ۳۱، شمارهٔ ۲، (۱۳۹۵)، ص ۲۳۱-۲۷۱.

۱. ۱ ـ اگر عملی که در گذشته جرم بوده به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود در این صورت حکم قطعی اجرا نخواهد شد و اگر در جریان اجرا باشد موقوف الاجرا خواهد ماند و در این دو مورد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجرا شده باشد هیچگونه اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد بود. این مقررات در مورد قوانینی که برای مدت معین و موارد خاصی وضع گردیده است اعمال نمی‌گردد.

۲. ناصر کاتوزیان، *فلسفه حقوق*، جلد ۲ (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳) صص ۱۱۹و ۱۲۰.

علاوه بر آرای دیوان عالی کشور، در خصوص تغییرات مقررات ارزی، تقاضای ابطال مصوبات هیات وزیران و بخشنامه‌های بانک مرکزی از دیوان عدالت اداری نیز در بحبوحه نوسانات ارزی بالا می‌گیرد. در سال ۱۳۷۴ پیرو نوسانات نرخ ارز و کمبود نقدینگی در کشور با وجود تصویب ماده ۱۳ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز به تاریخ ۱۳۷۴/۰۲/۱۲ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌رسد که حدود و مقررات‌گذاری نحوه استفاده از ارز را در اختیار دولت قرار می‌دهد.

دولت نیز ابتدا به موجب بند ۱ تصویب‌نامه مورخ ۱۳۷۴/۰۲/۲۷ که عطف بماسبق شده بود مقرر داشت هنگام صدور کالا و خدمات، کلیه صادرکنندگان موظف به سپردن تعهد برای برگرداندن ۱۰۰٪ ارز حاصله از صادرات کالا و خدمات در موعد مقرر می‌باشند و سپس به موجب تصویب‌نامه شماره ۳۱۳۹۹ت .۱۵۸۸هـ -۱۳۷۵/۰۹/۰۹ ضمانت اجرای کیفری در این خصوص وضع می‌نماید. این مقررات‌گذاری با تصویب بخشنامه شماره ۶۰/۱۰۳۴ مورخ ۱۳۷۴/۰۲/۳۰ بانک مرکزی و تعیین ضمانت اجرای کیفری اجرایی می‌گردد. مغایرت تصویب‌نامه و بخشنامه مذکور با اصل عطف بماسبق نشدن قوانین و انحصار امر جرم‌انگاری در صلاحیت قوه مقننه موجب ابطال مصوبات فوق پیرو شکایات در دیوان عدالت اداری می‌شود.[۱]

همچنین در پرونده دیگر[۲]، به علت شرایط خاص اقتصادی کشور و جهش نرخ ارز (از ۱۲۲۶ تومان به ۲۴۵۰ تومان) تحصیل رانت ناشی از مابه‌التفاوت نرخ زمان ثبت سفارش و ترخیص کالا فراهم می‌گردد. از این‌رو، بانک مرکزی به موجب بند ۳ مصوبه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۰ کارگروه اقتصادی ستاد تدابیر ویژه اقتصادی شورای عالی امنیت ملی مبنی بر اینکه «نسبت به تسویه حساب ارز واردکنندگان با نظام بانکی به گونه‌ای اقدام شود که نرخ ارز مرکز مبادله برای کلیه کالاهایی (از اولویت اول تا نهم) که هنوز ترخیص نشده و در حال ترخیص می‌باشند مبنای تسویه حساب قرار گیرد» و مستند به

---

۱. ر.ک. رای مورخ ۱۳۷۵/۰۵/۲۷ دایر بر ابطال تبصره ۱ بند ۱ تصویب‌نامه الزام صادرکنندگان کالا به فروش ارز حاصل از صادرات به بانک‌های دولتی و تبصره ۱ بند ۱ قسمت ب و بند ۱ قسمت د بخشنامه مورخ ۷۴/۲/۳۰ بانک مرکزی.

۲. ر.ک. رای شماره ۷۲۹- ۷۳۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۲۳.

ماده ۱۴ قانون امور گمرکی (که شرط محاسبه حقوق ورودی و حقوق دولتی و مالیات برای کالاهای وارداتی را تعیین قیمت ارز به نرخ روز ترخیص می‌داند) پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز مرجع (تخصیص‌یافته یا مورد تعهد نظام بانکی) و مبادله‌ای توسط واردکنندگان کالا از تاریخ تصویب را مصوب می‌کند.[۱]

مصوبات مذکور به دلیل عطف به ماسبق شدن، مغایرت با حقوق مکتسبه و مخالفت با شرع، مورد اعتراض برخی از واردکنندگان قرار می‌گیرد که شورای نگهبان نیز ملاک شرعی بودن دریافت مابه‌التفاوت نرخ ارز زمان ثبت سفارش و زمان ترخیص کالا را اشتراط این مسئله در قرارداد فی مابین واردکننده و نظام بانکی اعلام می‌دارد.[۲] دیوان عدالت نیز در اجرای تکلیف قانونی و برخلاف رویه خود مبنی بر رد دعاوی قراردادی فی‌مابین مردم و بخش دولتی،[۳] مغایرت شرعی بخشنامه‌های موصوف را به دلیل تعارض با مفاد قرارداد منعقده اعلام می‌نماید.[۴] بدیهی است بی‌توجهی دیوان عدالت اداری به مقاصد وضع مقرره نظیر مقابله با رانت‌جویی و حفظ مصالح و منافع اقتصادی کشور را صرفاً با نقش حمایتی دیوان از مردم می‌توان توجیه کرد.

نتیجه‌گیری

النهایه می‌توان مطالب زیر را به عنوان نتیجه ارائه داد:

میزان تاثیر دیوان عدالت اداری در برخورد با بحران‌های اقتصادی در قیاس با دیوان عالی کشور بسیار چشمگیر است؛ چرا که اولاً برخورد فوری دولت با بحران‌های اقتصادی عموماً از طریق وضع آیین‌نامه است که امکان ابطال آن در دیوان عدالت اداری میسر است، ثانیاً هرچند تفسیر قضایی محاکم عمومی از بخشنامه‌های دولتی غیرشفاف، متشتت

---

۱. برای مثال ر.ک. بخشنامه‌های شماره ۹۰/۱۶۲۴۶ مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۲۶ و شماره ۹۰/۱۲۹۰۷۵ مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۰۱.

۲. ر.ک. نامه شماره ۳۳۲۳/۱۰۲/۹۳ ـ ۲۷/۱۰/۱۳۹۳ قائم مقام دبیر شورای نگهبان و نامه شماره ۳۳۳۷/۱۰۰/۹۳ ـ ۲۸/۱۰/۱۳۹۳ دبیر شورای نگهبان.

۳. ر.ک آرای شماره ۵۹ مورخ ۱۳۷۱/۰۴/۳۰، شماره ۱۹۷ مورخ ۱۳۷۹/۰۶/۲۰و بطور ویژه رای شماره ۲۲۸ مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۶.

۴. همچنین در خصوص رویه هیات عمومی دیوان عدالت اداری در ابطال مالیات‌ستانی‌های خلاف قانونی که به بهانه شرایط تحریم اقتصادی و به موجب مصوبات هیات وزیران و بخشنامه‌های سازمان امور مالیاتی کشور صورت گرفته است ر.ک. آرا شماره ۱۹۶۹مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۸ و شماره ۹۸۵ مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۰۵.

و پرنوسان است اما امکان اینکه اختلاف برداشت قضایی از یک مقرره دولتی موجب صدور رای از جانب دیوان عالی کشور باشد بسیار غیرمحتمل است و ثالثاً صلاحیت دیوان عالی کشور در مورد (ابطال یا موقوف‌الاجرا نمودن) مصوبات دولتی، دارای ابهاماتی است که کارآمدی دیوان عالی در شرایط بحران‌های اقتصادی را تضعیف می‌سازد.

دیوان عدالت اداری از یک سو به دفاعیات دولت حول شرایط بحرانی وضع مقرره غالباً اعتنا نمی‌کند و از سوی دیگر توجه دیوان عدالت اداری به شرایط اقتصادی جهت تضمین حقوق مردم صرفاً پیرو اذن قانونگذار بوده و چرخش دیوان در زمینه تاثیر تورم بر نرخ افزایش دستمزد موید این امر است. البته احترام به اصل مالکیت، عطف به ماسبق نشدن قوانین و مقررات و رعایت مهلت‌های قانونی در مقررات‌گذاری از مهمترین استدلالات دیوان عدالت اداری برای دفاع از مردم بوده است.

هرچند بی‌توجهی دیوان عدالت اداری به مبنای قراردادی رابطه دولت و مردم برای بررسی ادعای مغایرت مقررات دولتی با قوانین و مقررات بلا اشکال به نظر می‌رسد، اما با توجه به رویه شورای نگهبان، مبنای قراردادی برای احراز مغایرت یا عدم مغایرت با شرع حائز اهمیت است؛ لذا به منظور جلوگیری از استناد بی‌رویه مردم به ایراد مغایرت مصوبات دولتی با شرع اسلام، پیشنهاد می‌گردد که دیوان عدالت اداری مبنای قراردادی را در نظر گرفته و به منظور سرعت در رسیدگی از احاله شدن موضوع به شورای نگهبان جلوگیری بعمل آورد.

دیوان عالی کشور در شرایط بحران اقتصادی آرای محدودی صادر کرده است، اما از آنجایی که این دیوان در صدور آرای خود به تفسیر غایی قوانین در پرتو رعایت مصالح عمومی و منافع ملی عمل می‌کند، می‌توان آرای دیوان عالی کشور را در شناسایی مفهوم بحران اقتصادی به عنوان یک مسئله حقوقی، پیشگامانه توصیف کرد.

منابع

کتاب‌ها

- آگامبن، جورجو، *وضعیت استثنایی*، ترجمه پویا ایمانی (تهران: نشر نی، ۱۳۹۵).
- برزانی، محمدواعظ و بهنام ابراهیمی، *تحلیل نظری تاثیر ارزش‌های غیرواقعی بر ایجاد بحران مالی جهانی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۹* (تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵).
- توسلی، محمداسماعیل، *تحلیل ماهیت پول و بنیان‌های اعمال سیاست پولی در اقتصاد اسلامی*، چاپ دوم (تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶).
- دینی ترکمانی، علی، *بحران بزرگ مالی: علت‌ها و درس‌ها* (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۹۲).
- ریکاردز، جیمز، *جنگ‌های ارزی؛ روایتی حیرت‌انگیز از جنگ اقتصادی کشورها با ابزار پول و طلا*، ترجمه حسین راهداری (تهران: چاپ پنجم، انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۷).
- سرزعیم، علی، *اقتصاد برای همه؛ تشریح مفاهیم اقتصاد کلان به زبان ساده* (تهران: انتشارات ترمه، ۱۳۹۷).
- کاتوزیان، ناصر، *فلسفه حقوق*، ج ۲ (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳).
- کلی، جان، *تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب*، ترجمه محمد راسخ، چاپ دوم (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۸).
- معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رییس جمهور، *اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضاشاه (۱۳۰۵-۱۳۱۱)* (تهران: انتشارت سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰).
- موذنی، روح الله، *حقوق عمومی اقتصادی؛ مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه* (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۳).
- مُنجاک، تاماراک، *بانکداری مرکزی؛ ثبات پولی و مالی: نظریه و عمل*، ترجمه احمد عزیزی و فاطمه نوربخش (تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۷).
- نیلی، مسعود و همکاران، *اقتصاد ایران؛ چگونگی گذر از ابرچالش‌ها*، ج۱ (تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۷).
- یوسفی، محمدقلی، *بنیان‌های نهادی اقتصاد آزاد* (تهران: نشر نهادگرا، ۱۳۹۲).

مقاله‌ها

- انصاری، مهدی، «نظریهٔ نقض کارامد قرارداد از دیدگاه مکتب تحلیل اقتصادی حقوق»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۱، شماره ۱، (۱۳۹۰).
- باقری، محمود، «اقصاد مبتنی بر بازار و کاستی‌های حقوق خصوصی» مجله پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۸، شماره ۱۹، (۱۳۸۵).
- راسخ، محمد، «ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون» مجلس و پژوهش، دوره ۱۳، شماره ۵۱، (۱۳۸۴).
- زارعی، محمدحسین، «امنیت قضایی به مثابه حق»، مجلس و پژوهش، دوره ۱۴، شماره ۵۶، (۱۳۸۶).
- زارعی، محمدحسین و احمد مرکز مالمیری، «مفهوم و مبانی کنترل قضایی با تاکید بر نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۸، شماره ۱۳۵، (۱۳۸۴).
- رهبری، ابراهیم، «نقدی بر نحوه مداخله دیوان عدالت اداری در تصمیمات قطعی شورای رقابت»، فصلنامه رای، دوره ۶، شماره ۱۹، (۱۳۹۶).
- سرزعیم، علی، «گونه‌شناسی بحران‌های مالی با تاکید بر بحران‌های بانکی»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال پنجم، دوره ۵، شماره ۱۸، (۱۳۹۶).
- محمدی، سام و حسام کدیور، «نقض کارآمد قرارداد در حقوق ایران»، حقوق خصوصی، دورهٔ ۳۱، شمارهٔ ۲، (۱۳۹۵).
- مشهدی، علی و شکوه حیدری دهاقانی، «افزایش حقوق کارکنان دولت مطابق نرخ تورم بانک مرکزی»، دوفصلنامه رویه قضایی شعب دیوان عدالت اداری، دوره ۵، شماره ۵، (۱۳۹۷).
- موسویان، سیدعباس و حسن بهاری قراملکی، «ضوابط قیمت‌گذاری از منظر فقه امامیه»، نشریه معرفت اقتصاد اسلامی، دوره ۱، شماره۲، (۱۳۸۹).

References
Books

- Ball, Howard, *Hugo L. Black; Cold Steel Warrior* (New York: OUP, 1996).

- Boyer, Paul S., *American History: A Very Short Introduction* (New York: OUP, 2012).

- Contiades, Xenophon, *Constitutions in the Global Financial Crisis, A Comparative Analysis* (London: Ashgate Pub, 2013).

- Cushman, Barry, *Rethinking the New Deal Court; The Structure of the Constitutional Revolution* (New York: OUP, 1998).

- Garner, Bryan A., *Black's Law Dictionary* (Tehran: Thomson West Pub, 2004).

- Heale, M. J., *Franklin D. Roosevelt; The New Deal and War* (London: Routledge, 1999).

- Levy, Robert A. and William Mellor, *The Dirty dozen; How Twelve Supreme Court Cases Radically Expanded Government and Eroded Freedom* (Washington: Cato institute, 2009).

- McCloskey, Robert G., *The American Supreme Court* (Chicago: The University of Chicago Press, 2010).

- Rauchway, Eric, *The Great Depression and the New Deal: A Very Short Introduction* (New York: OUP, 2008).

- Stijn Claessen, and Kose M. Ayhan, *Financial Crises: Explanations, Types, and Implications,* (London: IMF, 2013).

Articles

- Bieneman, Charles A., "Legal Interpretation and a Constitutional Case; Home Building & Loan Ass'n v. Blaisdell", Michigan Law Review, 90, (1992).

- Dam, Kenneth, W., "From the Gold Clause Cases to the Gold Commission: A Half Century of American Monetary Law", University of Chicago Law Review, 504, (1983).

- Evaldas Racickas and Asta Vasiliauskaite, "Classification of Financial Crises and Their Occurrence Frequency in Global Financial Markets", Social Research, (29), (2012).

- Lash, Kurt, "The Constitutional Convention of 1937: The Original Meaning of the New Jurisprudential Deal", Fordham Law Rev, 70, (2001).

- Lindsay Matthew J. "In Search of Laissez-Faire Constitutionalism", Harvard Law Review Forum, 123, (2010).

- Lindsay Matthew J., “The Presumptions of Classical Liberal Constitutionalism”, Iowa Law Review, 102, (2017).

Cases

– Ashton v. Cameron County Water Improvement, 298 U.S.513, (1936).

– Ashwander v. TVA 297 U.S.288(1936).

– Carter v. Carter Coal Co. 298 U.S.238, (1936).

– Home Building & Loan Ass'n v. Blaisdell, 290 U.S. 398, (1934).

– Humphery's Executor v. United States, 295 U.S. 602, (1935).

– Morehead v. New York ex rel. Tipaldo, 298 U.S.587, (1936).

– Nebbia v. New York, 291 U.S. 502, (1934).

– Nortz v. United States, 294 U.S. 313, (1935).

– Panama Refining Co. v. Ryan, 293 U.S. 388, (1935).

– Perry v. United States, 294 U.S. 330, (1935).

– Schechter Poultry Corp. V. United States, 295 U.S. 495, (1935).

– United States v. Bankers Trust Co., 294 U.S. 240 (1935).

– United States v. Butler, 297 U.S.1, (1936).